

## حکومت اسلامی و مقاصد شریعت از دیدگاه فقها

### با تأکید بر نظرات امام خمینی(ره)

مهدی شوشتری\*

حسین ناصری مقدم\*\*

#### چکیده

توجه برخی فقهای امامیه به مقاصد شریعت، تأثیرات فراوانی در استنباط ایشان داشته است. این علم در ابواب مختلف فقهی، از جمله حکومت و حاکم اسلامی مؤثر بوده است. این مقاله در پاسخ به چگونگی ارتباط حکومت اسلامی با مقاصد شریعت و تتبع در آرای فقها، مخصوصاً نظرات امام خمینی(ره) پیرامون حکومت اسلامی و اهداف شریعت، تدوین شده است؛ با این فرضیه که تعامل کاملی بین این دو برقرار است و اصولاً حکومت اسلامی درصدد تأمین مقاصد شارع است. به این نتیجه رسیده که، علاوه بر آنکه توجه حکومت به اهداف شارع لازم است، مقاصد شریعت مجوز صدور احکام حکومتی و اختیارات حاکم اسلامی در چارچوب حفظ نظام اسلامی است و برقراری امنیت، عدالت، حفظ نظام و حفظ مصلحت جامعه از اهداف شارع درباره حکومت است.

کلیدواژه‌گان: مقاصد شریعت، احکام حکومتی، اهداف شارع، حفظ نظام.

\* دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق پردیس بین‌الملل دانشگاه فردوسی (mahdishoshtari@chmail.ir)

\*\* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی

## مقدمه

تفسیر درست نصوص (حسینی، ۱۴۲۶، ص ۱۲۲)، کمک به مکلفان در اقناع تعقل آنان (خادمی، ۱۴۳۲، ص ۵۱)، مرجّحی در تعارض میان روایات (آمدی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۲۸۶)، راهکاری برای پاسخ‌گویی به احکام مستحدثه، جلوگیری از حیل‌های شرعی (شاطبی، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۳۸۰) و مجوز برای صدور احکام حکومتی از مهم‌ترین اهداف علم مقاصد شریعت ذکر شده است.

مراد از مقاصد شریعت، اهداف، نتایج و فوایدی است که از وضع شریعت به‌طور کلی و وضع احکام آن به‌طور جزئی، انتظار می‌رود؛ به تعبیر دیگر، غایاتی است که شریعت به هدف تحقق آنها وضع شده است (فاسی، ۱۹۹۳، ص ۷).

برخی فقهای شیعه با تأکید بر این نکته که مصالح احکام، مخفی و دور از دسترس عقل بشرند، (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۰، ص ۴۱۶؛ همو، ج ۴، ص ۱۳۰) کمتر درصدد کشف مصالح و مناطات احکام برآمده و به دلیل نگرانی از گرفتار شدن در دام قیاس (که امامان معصوم(ع) بر پرهیز از آن همواره تأکید کرده‌اند)<sup>۱</sup> از روش‌های استنباط عقلی تا حد ممکن اجتناب کرده‌اند. با این حال برخی فقیهان دوران میانی فقه شیعه مانند شهید اول (شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۸؛ همو، ج ۱، ص ۱۴۱)، محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۶۳)، فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۴) و در میان اندیشمندان معاصر شیعه، برخی مانند مرحوم شهید صدر (صدر، ۱۳۹۹، ص ۲۸۸) محمد جواد مغنیه (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۷۷-۷۰) و امام خمینی(ره) به تبیین نقش مقاصد شریعت و مصالح احکام پرداخته‌اند. ایشان در عین اجتناب از گرفتار شدن در دام قیاس و عقل‌گرایی افراطی، مناطات احکام را به‌عنوان یک اصل قابل اتکا مورد توجه قرار داده‌اند.

فقهای امامیه، حفظ نفس، حفظ آبرو، حفظ مال، حفظ دین، ایجاد امنیت، عدالت، حفظ مصلحت، عدم اختلال نظام، نفی حرج، نفی غرر، نفی سبیل، حفظ کرامت انسان و آبادانی زمین را به‌عنوان مقاصد شریعت، در مقام استنباط به‌کار گرفته‌اند.

۱. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، باب البدع و الرای

برخی از مقاصد مورد استفاده فقها مانند حفظ دین، حفظ امنیت، حفظ مصلحت و حفظ نظام، ناظر به امور حکومتی است و این نوشتار با تتبع در آرای فقهای امامیه، کارکرد مقاصد شریعت در حکومت اسلامی را بررسی می‌کند.

### ۱. حکومت و لزوم توجه به مقاصد شریعت

حکومت به‌عنوان مجری شریعت در جامعه، موظف است مقاصد شریعت را در همه تصمیم‌گیری‌ها در نظر بگیرد؛ اگر در مواردی اجرای حدود، اهداف و مصالح موردنظر شریعت را تأمین نکند به امام و دولت اسلامی اجازه داده شده است، اجرای آن را متوقف سازد. شیخ طوسی از علی (ع) نقل کرده است: «لا اقیم علی رجل حدا بارض العدو حتی یخرج منها مخافة ان تحمله الحمیة فیلحق بالعدو» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۴۰) بر اساس این مناط و مصلحت منصوص هر زمان که امام مسلمین با نگاهی ژرف و حکیمانه اجرای حدود را مستلزم مفاسد بزرگ‌تری دید، می‌تواند تا مرتفع شدن موانع دست از اجرای حدود بردارد.

حاکم جامعه اسلامی موظف است در مقام تراحم حفظ نظام معیشتی مردم با سایر احکام اسلامی، حفظ نظام را مقدم بدارد. از این منظر حاکم اسلامی می‌تواند در اداره امور مختلف کشور اسلامی و حل مسائل و معضلات نوپیدای آن، از احکام حکومتی به‌عنوان ابزار کار استفاده نماید، مثلاً می‌تواند برای حفظ نظام و جلوگیری از هرج‌ومرج، اقدام به نرخ‌گذاری کالاها و اجناس نماید، کاری که به‌حسب عنوان اولی آن، جایز نیست و حکمی که در چنین فرضی از سوی حاکم صادر می‌شود، حکم حکومتی خواهد بود که از حیطة شئون و اختیارات حاکم اسلامی است. البته تقدم حفظ نظام بر احکام شرعی در چارچوب ضوابط و اصول متعددی مانند عدم مغایرت با روح و مبانی شریعت، رعایت قاعده اهم و مهم در موارد تراحم مصلحت‌ها امکان‌پذیر است.

البته باید توجه داشت که حفظ اساس «اسلام» از حفظ نظام اسلامی بالاتر است و اساساً هدف اصلی تشکیل نظام اسلامی، اجرای احکام اسلامی، حفظ مرزهای کشور اسلامی، اجرای حدود اسلامی و استقرار احکام خداوند و قسط و عدل اسلامی در جامعه است. تشکیل نظام اسلامی برای پیاده کردن احکام اسلام و اجرای دستورات الهی و تبلور فرهنگ اسلام و ترویج

آن است. بر این اساس حفظ اصل اسلام از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۱۵۳).

از طرف دیگر، یکی از کارکردهای مقاصد شریعت این است که این علم، مجوز صدور احکام حکومتی می‌باشد. اهل سنت نیز مانند شیعه باور دارند که حاکم می‌تواند به جعل قوانین بپردازد و یا در قوانین، دگرگونی‌هایی به‌وجود آورد. شیعه نام این احکام را «احکام حکومتی» و اهل سنت آن را «احکام سلطانی» نامیده است.

این نکته در بیان شهید استاد مطهری، مورد توجه قرار گرفته است. از نظر ایشان آشنایی با فلسفه احکام، نوعی بصیرت در دین ایجاد می‌کند، به شرط آنکه در آن افراط نشود و در ضمن درجه اهمیت را نشان می‌دهد. از نظر ایشان توجه به جنبه‌های اجتماعی احکام اسلامی، بسیار اهمیت دارد. غفلت از این موضوع مسلمین را به انحطاط کشانده است و توجه به این مهم مسلمین را به‌سوی اعتلا می‌برد؛ و البته از نظر ایشان در بحث فلسفه اجتماعی احکام کاری صورت نگرفته است (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۳۴).

حاکم اسلامی با در نظر گرفتن مقاصد شریعت این توانایی را دارد که از برخی احکام و اجرای آنها جلوگیری کند؛ زیرا شرایط زمانی یا مکانی به‌وجود آمده هدف حکم را برآورده نمی‌سازد (نجار، ۲۰۰۸، ص ۲۰؛ علیشاهی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۷).

درباره اجرای حدود اسلامی نیز باید توجه شود، حق یا عقوبت است یا مال؛ اگر عقوبت باشد مثل قصاص، اقامه دعوا نزد حاکم واجب است. پس اگر دعوایش ثابت شود و حاکم اجازه دهد خود شخص بنابر قولی می‌تواند مباشرت در قصاص کند. بلکه اگر حاکم وجود نداشت یا دسترسی به او متعذر بود می‌تواند خودش حقش را ادا کند در غیر این‌صورت نمی‌تواند.

نهایتاً در صورت مباشرت به قصاص با وجود حاکم، حاکم می‌تواند او را مؤاخذه نکند چرا که شکی در وجود این حق برای او نیست اما بحث دماء، امر خطیری است و نباید موجب فساد در جامعه اسلامی شود به‌خصوص اگر این مورد موجب دعوا و جنگ طایفه‌ای و قبیله‌ای شود.

مقصد شارع از وجوب رفع دعوا به‌وسیله حاکم و اجازه بر اجرای قصاص به‌وسیله او، آن است که دفع فساد و اختلال از حکومت اسلامی بشود لذا برخی فقها فرموده‌اند: اگر ولی مقتول

بتواند بدون ترتب هیچ مفسده‌ای، قاتل را بکشد این کار بر او جایز است (گلپایگانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۹۸)، که این مطلب توجه حکومت به اهداف شریعت را نشان می‌دهد. از جمله موارد دیگری که فقها در آن به توجه حکومت به مقاصد شریعت استناد نموده‌اند مبحث احتکار و موارد مشمول آن است. درباره اینکه احتکار در چه کالاهایی صدق می‌کند؟ و حکومت با احتکار چه چیزهایی برخورد کند؟ برخی می‌گویند: ذکر گندم، جو، خرما، کشمش، روغن حیوانی و روغن زیتون به‌خاطر شدت نیاز به آنها در آن زمان بوده و حتی روایاتی می‌آورند که می‌فرمایند: «اگر طعام دیگر در بازار بود احتکار در اینها اشکالی ندارد. سپس از مکاسب شیخ و قاضی و صاحب الوسيله و صاحب الدروس نقل می‌کند که علت تحریم، شدت احتیاج مردم به آنها است».

سپس در ادامه خطاب به کسانی که احتکار را فقط در منصوص حرام می‌دانند می‌گویند: آیا شما اعتقاد دارید احتکار نفت و برق حرام نیست؟ با علم به اینکه زندگی بدون آنها محال است و احتکار سلاح و منع آن برای افرادی که می‌خواهند از خودشان دفاع کنند حلال است و اشکالی ندارد، بفرمایید احتکار خرما و کشمش امروزه چه ضرری دارد؟ به‌نظر من اگر استعمارگران امروزه فتوای شما را می‌دانستند آن را با طلا می‌نوشتند و در همه‌جا انتشار می‌دادند تا زمانی که احتکار فقط در خرما و کشمش باشد و طلای سیاه و سفید مشمول آن نشود چه چیزی آنها را تهدید می‌کند؟ از نظر این‌جانب جمود بر نص در چنین مواردی طعن دین و شریعت سید المرسلین (ص) است (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۴۵).

## ۲. حفظ نظام از مقاصد شریعت

فقهای امامیه عدم اختلال در نظام را که از مقاصد شریعت است از واجبات شمرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۳۷). و البته بحث از وجوب حفظ نظام به‌معنای حفظ حکومت، در فقه شیعه کمتر از فقه اهل سنت به آن پرداخته شده است، به این دلیل که مصداق خارجی حکومت اسلامی در بیشتر مقاطع تاریخی محقق نبوده و همواره حکومت‌های جائر حاکم بوده‌اند. از عدم اختلال نظام سه معنای متفاوت استعمال شده است که هر سه معنا می‌تواند مقصد شریعت تلقی شود لذا به معرفی آنها می‌پردازیم:

### حفظ نظام به معنای حفظ نظام زندگی و معیشتی

مقصود از حفظ نظام زندگی، رعایت اموری است که قوام جامعه و مردم به آن وابسته است و در صورت اخلال در آن، نظم زندگی و معیشت مردم به خطر افتاده و دچار هرج و مرج می‌شود (جعفر پیشه، ۱۳۸۹، ص ۶۹).

یکی از مواردی که به وجوب حفظ نظام استناد شده است بحث جواز اخذ اجرت بر واجبات است. شیخ انصاری در این باره می‌فرماید: «الصناعات التي يتوقف النظام عليها تجب كفاية لوجوب اقامة النظام» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۳۷) شغل‌هایی که نظام [زندگی مردم] بر آن متوقف است واجب کفایی است زیرا اقامه نظام اجتماعی لازم است. این دسته از واجبات را «واجبات نظامیه» گفته‌اند (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۲).

از موارد دیگر که فقها تصریح به وجوب اشتغال به آن کرده‌اند منصب قضاوت است و دلیل آن را وابستگی نظام اجتماعی به آن بیان نموده‌اند. علامه حلی می‌فرماید: «القضاء من فروض الكفایات ... لما فيه من القيام بنظام العالم» (علامه حلی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۷۹) در کتاب **جواهر الکلام** نیز سخن از وجوب نصب قاضی امام و حرمت مخالفت مردم با قاضی منصوب آمده و دلیل آن اختلال در نظام بیان شده است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۴۰، ص ۴۰).

### حفظ نظام به معنای حفظ کشور اسلامی

وجوب حفظ کشور اسلامی و جان و مال و ناموس مسلمانان از خطر تعرض دشمنان اسلام و بیگانگان یکی از مسائل مسلم و مورد اتفاق فقهای شیعه، بلکه همه مسلمانان است. فقیهان شیعه، دفاع در مقابل بیگانگان را بدون هیچ قید و شرطی بر همگان واجب می‌دانند. شیخ طوسی در کتاب **نهاية می‌فرماید:**

جهاد بدون امام و پیشوا و یا همراه پیشوای ستمگر اشتباه است و انجام‌دهنده‌اش سزاوار گناه است و اگر کسی را بکشد، پاداشی بر آن ندارد و اگر کشته شود، گناهکار است. مگر اینکه خطری از ناحیه دشمن بر مسلمانان وارد شود که براساس اسلام یا نبودی آن یا گروهی از مسلمانان ترسیده شود که در این صورت دفاع و جنگ با آنان واجب است (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۰).

صاحب جواهر نیز می‌فرماید: هرگاه کفار بخواهند اسلام را نابود کنند و شعائر آن را از بین ببرند و یادی از محمد(ص) و شریعت او نباشد اشکالی در وجوب جهاد حتی با پیشوای ستمگر نیست (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۴۷).

محقق نائینی نیز با استناد به عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام، حفظ و نظم مملکت اسلامی را مهم‌تر از تمام امور حسبه و از واضح‌ترین قطعیات دانسته است. وی معتقد است که این معنی را در لسان متشرعین، «حفظ بیضه اسلام» و سایر ملل «حفظ وطن» می‌خوانند (نائینی، ۱۴۲۴، ص ۴۰).

بنابراین یکی از مهم‌ترین مصادیق حفظ بیضه اسلام، جهاد با کفار و دفع آنان از سرزمین‌های اسلامی و جلوگیری از ظلم و تعرض آنان نسبت به خون و آبروی مسلمانان است. مصداق دیگر، جهاد با کفاری است که با تسلط بر سرزمین‌های اسلامی قصد برانداختن اساس اسلام را دارند (کاشف الغطاء، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۸۸).

با تأمل در کلمات فوق روشن می‌شود که حفظ اصل اسلام و کشور اسلامی و جان و مال و ناموس مسلمانان، فرض و واجب است، خواه حکومت حاکم بر جامعه، حکومت اسلامی باشد یا غیر اسلامی و خواه حفظ اسلام و کشور اسلامی مستلزم حفظ و بقای حکومت اسلامی باشد یا نباشد.

### حفظ حکومت اسلامی

قدر مسلم در میان فقهای شیعه آن است که اگر نظام سیاسی دارای مشروعیت باشد - مانند حکومت امام معصوم(ع) - حفظ آن لازم است و نظام‌های سیاسی جائز و فاسد به‌طور قطع مشمول حکم وجوب حفظ نخواهند بود، بلکه برخی از فقها قائل به وجوب قیام علیه حکومت جور و تأسیس حکومت اسلامی هستند. آنچه مورد اختلاف نظر واقع شده است معنای مشروعیت نظام سیاسی است (فیرحی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۸).

فقه اهل سنت مشروعیت غایی را مدنظر داشته و حکومتی را که احکام اسلامی را اجرا کند ولو از راه زور و غلبه یا از راه شورا و ... استقرار یافته باشد، مشروع می‌داند لکن فقیهان شیعه که تشکیل حکومت اسلامی را در دوران غیبت جایز می‌دانند مشروعیت فاعلی را موردنظر

داشته و معتقدند که نظام سیاسی در صورتی که از مجاری خاصی استقرار یابد مشروعیت دارد و هر حکومتی که احکام اسلامی را اجرا کند نمی‌تواند مصداق حکومت مشروع قرار گیرد. امام خمینی با استدلال بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی، حفظ و استمرار آن را نیز اثبات نموده و معتقد است:

بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره که همه جریانات و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام، تحت نظام عادلانه درآورد هر چه و مرج به وجود می‌آید و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید. پس برای اینکه هر چه و مرج و عنان گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد نشود، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همه اموری که در کشور جریان می‌یابد (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۳۰).

از دیدگاه ایشان اجرای احکام الهی و لزوم استمرار آن تا روز قیامت دلیل اصلی تشکیل حکومت اسلامی است و نفس این امر اقتضا می‌کند که حکومت اسلامی استمرار داشته باشد و اخلال در آن امری مبعوض و ناپسند باشد (همو، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۱۹).

اما در صورت تعارض حکم «وجوب حفظ نظام» با دیگر احکام اسلام کدام مقدم است؟ قاعده در تزامن احکام، تقدیم اهم بر مهم است و در این مورد بنابر دیدگاهی که امام خمینی (ره) ارائه نموده‌اند وجوب حفظ نظام اسلامی از احکام اولیه است و دارای چنان مصلحت قوی است که مقدم بر سایر احکام شرعی است. ایشان می‌فرماید:

...تعبیر به آنکه این جانب گفته‌ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیار است به کلی برخلاف گفته‌های این جانب بود ... حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله (ص) است؛ یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است (همان، ۱۳۷۰، ج ۲۰، ص ۱۷۰).

بنابراین ایشان «مصلحت نظام اسلامی» را از عناوین اولیه‌ای می‌داند که حکم مترتب بر آن در صورت تزامن با دیگر احکام مقدم است. مطابق این دیدگاه اهمیت ناشی از مصلحت که ریشه در اصل حفظ نظام و صیانت از منافع عامه مردم به عنوان مهم‌ترین واجبات دارد، می‌طلبید تا حکومت اسلامی نسبت به اتخاذ سیاستی که تأمین مصالح می‌نماید حتی اگر برخی از احکام را نقض کند اقدام کند. وی در مورد حفظ نظام جمهوری اسلامی می‌فرماید:

مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از



اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ‌چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است (همان، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۱۵۳).

مقاصد شریعت می‌تواند به حاکم یاری رساند تا از نصوص، تفسیری ارائه دهد که مطابق با آرمان‌های کلی شارع باشد و حکومت را از جمود در امان نگاه‌دارد. به عبارت دیگر، حاکم مجتهد باید در خود نصوص نیز به اجتهاد بپردازد و تنها به الفاظ تکیه نکند.

به‌عنوان مثال، یکی از اهداف شریعت که ارتباط تنگاتنگی با حفظ حکومت اسلامی دارد، ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان، نسبت به مسلمانان است (انفال، ۶۰).

بی‌شک، دشمن زمانی از ما می‌ترسد که سلاح‌هایی در سطح و حد او یا پیشرفته‌تر از او در اختیار داشته باشیم. محمد جواد مغنیه در بحث «سبق و رمایه»، علاوه بر حافر و خف و نصل، اسلحه‌های جدید را هم مشمول حکم می‌داند، زیرا در زمان پیامبر فقط همین سه سلاح شناخته شده بود. او می‌گوید:

این مطلب، اجتهاد در برابر نص نیست بلکه اجتهاد صحیح در فهم و تفسیر نص است که با روح شریعت اسلام که شریعت سهله و سمحه است سازگاری دارد. وی اجتهاد در برابر نص را ممنوع دانسته ولی کشف مقصد شارع را تفسیر نص می‌داند و جایز می‌شمارد (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۳۶).

شهید صدر نیز از فقیهان نواندیشی است که در فتواهای خود پیرامون اهداف و مقاصد شریعت سخن گفته است. یکی از مواردی که او، به هدف جعل حکم، اشاره کرده است، در باب سبق و رمایه است که هدف از آن حفظ و دفاع از حکومت اسلامی می‌باشد. گرچه فقیهان، از دیرباز به فلسفه جعل حکم «سبق و رمایه» پرداخته‌اند، برای نمونه محقق حلی در این باره می‌نویسد: «فایده سبق و رمایه، برانگیختن اراده و توانایی پیدا کردن بر رزم و آزمودگی پیدا کردن بر کارهایی مانند تیراندازی است» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۶۲). حال سؤال اینجاست: آیا می‌توان از مصادیقی که برای سبق و رمایه در روایات آمده، تجاوز کرد یا اینکه باید به آنها بسنده نمود و تنها در چیزهایی مانند: اسب، الاغ، شتر، تیر و کمان و مانند اینها مسابقات راه، روا دانست؟ شهید صدر در این باره می‌نویسد:

آیا صحت در این موارد [خاص] مطلق است یا تا زمانی است که این ابزارها به‌عنوان ابزارهای جنگ عمومی به‌شمار می‌آید که با تقویت آنها نیروی نظامی تقویت می‌گردد و مصالح جهاد

رعایت می‌شود؟ دو وجه محتمل می‌باشد، ولی وجه دوم به احتیاط نزدیک‌تر و به حق اقرب

است (حکیم، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۵۴).

آنچه این فقیه به‌گونه‌ای شفاف به آن اشاره کرده، مصالحی در جهاد است که خواهان تشریح چنین حکمی از سوی شارع شده است. می‌توان آنها را، همان تقویت نیروی نظامی برای جهاد و حفظ حکومت اسلامی دانست. این فقیه در ادامه سخن، صحت عقد «رِهان» را در ابزارهای امروزی نیز می‌پذیرد و می‌نویسد:

درستی عقد رِهان در آنچه‌که از ابزارهای جنگی و ماشین‌های نظامی جدید به‌شمار می‌آید،

مانند ماشین مسلسل و مانند آن، محتمل است و نظر به این مسئله، بعید نیست (حکیم،

۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۵۴).

### ۳. حدود اختیارات حاکم اسلامی در حیطة حفظ نظام

برخی در تعریف واجبات نظامیه گفته‌اند، واجباتی هستند که نظام بلاد و عباد وابسته به آن است و عدم وجود آن موجب اختلال نظام می‌شود (آل‌بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵) در این نوع واجبات به‌جهت حفظ نظام و عدم میل به انجام آنها به‌صورت تبرعی، اخذ اجرت جایز دانسته شده است. درمقابل، واجب غیرنظامی، واجبی است که هدف از وضع آن، نفع اشخاص است نه حفظ نظام (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۲).

اکنون باید دید که آیا از نظر طرفداران حکومت اسلامی، حدود دخالت حاکم باید در

چارچوب حفظ نظام تبیین شود یا قلمرویی وسیع‌تر دارد؟

دلیل پذیرش حکومت اسلامی در نظر سید مرتضی حفظ مصالح مسلمین و دفاع از اسلام و مسلمین است (سیدمرتضی، ۱۹۹۷، ص ۴۴۲). شیخ انصاری ولی فقیه را جانشین امام(ع) در امور عام می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۵۲). ایشان معتقد است که اوامر فقیه در امور عرفی واجب است لیکن سلطنتش بر اموال و انفس ثابت نیست (همان، ج ۳، ص ۵۴۸). هم‌چنین ایشان معتقد است در اموری که عرفاً باید با مجوز رئیس قوم انجام شود اذن ولی فقیه لازم است (همان، ص ۵۵۵-۵۵۰).

نایینی ولایت فقیه را ریاست بر مردم در امور دینی و دنیایی و معاش و معاد مردم می‌داند

(نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۳۳). به‌عبارتی علاوه‌بر منصب قضاوت و فتوا دادن فقیه دارای صلاحیت

برای سد ثغور و نظم بلاد، جهاد و دفاع نیز هست (همان، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۳۱).

شهید گران قدر مصطفی خمینی درباره صلاحیت فقیه در امر حکومت‌داری می‌فرماید:

ریاست فقیه شامل تمام امور سیاست در مملکت اسلامی می‌شود. وی می‌تواند مصالح شخصی را قربانی مصالح عالی‌تر نوعیه نماید و در راستای نیازهای عمومی نوعی به جهت حفظ نظام و دفاع از حوزه اسلام می‌تواند در اموال مردم تصرف کند و بر انفس آنها سلطنت کند (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ص ۵۹).

امام خمینی ولایت فقیه را ناظر به اموری می‌داند که انجام آنها برای حفظ نظام مسلمین به والی سپرده شده است (همان، ج ۳، ص ۱۲۴).

در مقام جمع‌بندی میان نظرات فوق می‌توان به دو دیدگاه کلی درباره قلمرو صلاحیت حاکم اسلامی اشاره کرد، گروهی از فقیهان موارد دخالت حاکم را محدود به حفظ نظام و بقای زندگی اجتماعی می‌دانند، درحالی‌که گروه دیگر هدف از تشکیل حکومت اسلامی را ایجاد جامعه‌ای اخلاقی می‌دانند و لذا دولت را بر پایه حمایت از موازین اخلاقی و جلوگیری از انحراف اخلاقی و معنوی جامعه نیز مجاز می‌دانند.

شایان ذکر است علمای مقاصد، مصالح را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: (شهید اول، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۸؛ ج ۱، ص ۱۴۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۶۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۴) مصالح ضروری: مصالحی که حفظ آن از نظر همه شرایع واجب است. این مصالح عبارت‌اند از حفظ دین، نفس، مال، عقل و نسل.

مصالح حاجی (حاجیات): مصالحی هستند که ضروری نیستند ولی افراد به آنها نیاز پیدا می‌کنند. مثل احکام بیع و نکاح برای افرادی که نسبت به آنها اضطرار ندارند.

مصالح تحسینی: اموری هستند که در چارچوب مسائل ذوقی قرار دارند مثل آداب رفتاری که ما را به مکارم اخلاقی برمی‌انگیزد یا آنچه ما را به رعایت بهترین الگوهای رفتاری در عادات و معاملات فرامی‌خواند.

این تقسیم‌بندی ثمرات زیادی دارد که از آن جمله می‌توان به اولویت‌بندی مصالح به هنگام تراحم آنها اشاره کرد.

نکته مهمی که در این باره باید مورد توجه قرار گیرد این است که، استناد به مصالح در فرآیند اجتهاد باید از طریق حاکم اسلامی صورت گیرد؛ زیرا در غیر این صورت اگر قرار باشد هریک از شهروندان به استناد مصلحت یا اجرای اراده الهی براساس مصالح به هنجارسازی یا

اجرای احکام حکومتی مبادرت کند، چارچوب هنجاری اجتماع برهم می خورد. به عبارتی استناد به مصالح در حوزه حقوق عمومی و از سوی حاکم جایز است (خویی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۵؛ روحانی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۳۵).

در مورد قلمرو عملکرد حاکم در استناد به مصالح و استفاده از آن برخی از فقهای شیعه در باب حکومت اسلامی معتقدند که ولی فقیه در مواردی ولایت دارد که مصلحت عمومی به حد لزوم برسد (روحانی، ۱۴۱۴، ص ۹۶). به عبارتی باتوجه به مطالب پیش گفته به نظر می رسد که مداخله براساس مصلحت در صورتی جایز است که بیم اختلال نظام برود. در تأیید این برداشت می توان به معیارهای فقها در مورد حجیت بنای عقلا اشاره کرد. زیرا از نظر ایشان در صورتی هدف بنای عقلا حفظ نظام باشد، بنای مزبور حجت و قابل پذیرش خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۱۹).

مثلاً درباره فروش سلاح به دشمنان اسلام، امام خمینی (ره) ضمن اشاره به این مطلب که این امور سیاسی تابع مصالح روز بوده و چه بسا مصلحت مسلمین اقتضای بیع سلاح و حتی اعطاء مجانی سلاح به طایفه‌ای از کفار را داشته باشد، مانند زمانی که دشمن بزرگی به مسلمانان حمله کند که دفع آن جز با کمک کفار ممکن نباشد یا اینکه کفار از تابعین مسلمانان بوده و والی در صدد دفع دشمنانش توسط کفار باشد، چنین ادامه می دهند که البته گاهی نیز مصلحت در ترک بیع سلاح است؛ چه زمان جنگ باشد چه زمان آمادگی برای جنگ و چه دوران صلح باشد، زیرا خوف آن وجود دارد که تقویت کفار موجب هجمه بر جان و آبروی مسلمانان شود.

سپس دو روایت ذکر کرده و آن دو روایت را قاصر از تبیین موضوع برای عصر حاضر می دانند زیرا این دو روایت مربوط به عصر صادقین بوده، که شرایط متفاوت بوده است؛ اما از تحلیل موجود در روایت دوم و فهم مقصد شارع، استفاده می کند که هرگاه امکان دفع عدو قوی به وسیله عدو مأمون باشد فروش سلاح به کفار برای دفع کفار دیگر جایز است. و با وجود روایاتی در عدم جواز فروش سلاح به کفار با بررسی آنها، در پایان نتیجه می گیرد که همه این روایات چیزی جز حکم عقل را تأیید نمی کند.

ایشان ضمن توجه به اختیار حاکم برای فروش سلاح با کفار در جهت حفظ نظام اسلامی، بر والی مسلمین واجب می‌داند که براساس مصلحت عامه مسلمین این فروش را جایز یا باطل بداند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۲۷).

#### ۴. حفظ امنیت، برقراری عدالت و رعایت مصلحت از اهداف شارع

یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت، ایجاد امنیت است و بدون وجود امنیت جانی و مالی و عرضی برای افراد جامعه، امکان رشد غایی برای آنان به وجود نخواهد آمد. از این رو تهدید و ایجاد ناامنی برای انسان‌ها همانند ستاندن جان آنها، آسیب‌زننده و سزاوار کیفر است. در همین راستا دین مبین اسلام ضمن توجه به این مهم، برای حفظ امنیت عرض و آبرو،<sup>۱</sup> بسیار سخت‌گیری نموده است، همچنین امنیت اخلاقی جامعه، امنیت فیزیکی،<sup>۲</sup> و امنیت مالی جامعه،<sup>۳</sup> همگی از مقاصد شارع برای وضع قوانین بوده و در فقه شیعه توجه بسیاری به این امور شده است. لذا هرگونه تهمت به دیگران ممنوع بوده است و اشاعه فحشا عذاب دنیوی و اخروی دارد، محاربه و افساد فی الارض مجازات سخت (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۵۷)، و سرقت کیفر شدیدی دارد و... که انجام هریک از این امور توسط حکومت، برای حفظ امنیت بشر ضروری می‌باشد.

در باب حفظ امنیت خارجی، فراهم کردن نیرو را تشریح نموده است، تا باز دارنده از فکر تهاجم باشد (انفال، ۶۰). همچنین جهاد را برای دفاع در هنگام وقوع حمله، تشریح کرده است، همان‌طور که خودکفایی را لازم دانسته تا اینکه امت وابسته به غیر نباشد و عزت، هیبت، شرف و جلال

۱. وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور، ۴) وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ زُرَّاهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (نور، ۶) إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (نور، ۲۳).

۲. إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (نور، ۱۹) الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَيْشَهِدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (نور، ۲۱).

۳. إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا ... (مائده، ۳۳).

۴. وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (مائده، ۳۸).

مسلمانان حفظ شود (الامام علی بن موسی الرضا(ع)، ۱۴۰۶، ص ۳۶۷). لذا حفظ امنیت جامعه در راستای تأمین هدف شارع بر حکومت اسلامی و حاکم شرع واجب است. عدالت نیز از مقاصد شارع و از اهداف تشکیل حکومت اسلامی است و تردیدی نیست که عدالت زیرساخت عالم تکوین و تشریح است؛ «بالعدل قامت السموات و الارض» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۲۶۷؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۰۳) و هدف نهایی بعثت رسل، اقامه عدل و قسط و یا به تعبیر قرآن کریم؛ «لَيُقِيمَنَّ اللَّهُ النَّاسَ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) است. تشریح احکام الهی در تمام شرایع آسمانی، برمبنای عدالت استوار است تا آن جایی که عدل به عنوان اصل مهمی از اصول مذهب تلقی شده و دستور کلی الهی به آحاد امت، اجرای عدالت رفتاری و اخلاقی است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل، ۹۶) «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده، ۸).

در تفاسیر، عبارت‌های «قیام مردم به عدالت در امور خود»، «معامله کردن براساس عدالت» و «ملازم عدالت بودن در بین خود» در تفسیر «لَيُقِيمَنَّ النَّاسَ بِالْقِسْطِ» آمده است (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۳۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۴۰۱؛ شبر، ۱۳۸۵، ص ۵۰۵). از مجموعه این تعبیر استفاده می‌شود، که اولاً قسط همان عدالت است و ثانیاً عدالت، اصلی است که انسان‌ها باید آن را زیربنای روابط خود قرار دهند.

«وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى؛ دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت پیشه کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است» (مائده، ۸).

ترجمه آیه به این معنا است که حکومت نباید به دلیل دشمنی و بغض با گروهی در حکم و رفتار، بی‌عدالتی کنند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۶۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۹۲). در این آیه اجرای عدالت در اعمال و رفتار و حکم کردن، مورد توصیه پروردگار تبارک و تعالی است؛ همچنین در اجرای آن نباید هیچ تبعیضی بین دوست و دشمن قائل شد. در غیر این صورت تقوی رعایت نشده است و در پیشگاه پروردگار متعال مسئول هستیم (سعادت مصطفوی، ۱۳۸۷، ص ۵). لذا اقامه عدل حتی در چنین شرایطی مقصد شارع است.

امام خمینی(ره) در فرازی از استدلال بر ولایت فقیه، چنین نگاشته‌اند:

یمكن ان یقال: الاسلام هو الحکومة بشؤونها و الاحکام قوانین الاسلام و هی شأن من شؤونها بل الاحکام مطلوبات بالعرض و امور آلیه لاجرائها و بسط العدالة؛ می‌توان گفت: اسلام همان حکومت است با تمام جوانب آن؛ و احکام، قوانین اسلام است و جنبه‌ای از جوانب حکومت به‌شمار می‌رود. بلکه احکام، مطلوب بالعرض و اموری ابزاری است برای اجرای حکومت و بسط عدالت (خمینی، کتاب البیع، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۷۲).

مصلحت نیز یکی از ضروری‌های بحث مقاصد است، و در فقه شیعه، «مصلحت» از مهم‌ترین ویژگی‌های تصمیم‌گیری رهبری مشروع حکومت اسلامی است؛ به اعتقاد امام خمینی (ره)، ولی امر باید همه تصمیم‌ها، عزل و نصب‌ها و ... را براساس آن انجام دهد و از قلمرو آن پا را فراتر نگذارد. برای مثال ایشان درباره بیت‌المال مسلمانان تأکید کرده است که باید در مصالح مسلمانان صرف شود و درباره خمس و زکات می‌نویسند: تأمل در آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ...» (انفال، ۴۱) نشان می‌دهد همه سهام خمس از آن بیت‌المال است و حاکم، ولایت بر تصرف آنها دارد و تصمیم و نظر او که بر طبق مصالح عمومی مسلمانان است در این باره متبع است و همو باید زندگی این سه گروه از سادات (یتیمان، فقیران و در راه‌ماندگان) را از سهمی که برای آنها مقرر شده است، بر حسب تشخیص خود، تأمین کند همان‌طور که اختیار هزینه کردن زکات‌ها نیز در زمان خودش به او واگذار شده است و سهام زکات را بر طبق تشخیص مصلحت به اهلهش برساند (خمینی، کتاب البیع، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۵۶).

## نتیجه

برقراری نظم و انضباط در زندگی فردی و اجتماعی، یکی از مقاصد عالی شریعت است. احکام الهی طوری تعبیه و طراحی شده است که هیچ‌گونه تراحم و ناسازگاری با دنیای مردم و پیشرفت و توسعه زندگی نداشته باشد. در نهان و نهاد حکومت اسلامی، برپایی زندگی با سلامت و سعادت نهفته است و هرچه باعث نابسامانی، عقب‌ماندگی و فروپاشی زندگی باشد ممنوع شناخته شده است. از این‌رو احتیاط‌ورزی که در ذات خود دارای ارزش است، اگر باعث هرج‌ومرج زندگی، عقب‌ماندگی بازار و صنعت و علم و دانش و فروپاشی زندگی باشد با اهداف شریعت در تناقض و ناپسند شمرده می‌شود (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۳۳، ۲۰۲).

تشخیص دقیق مقاصد و اهداف احکام شرعی، به حاکم اسلامی کمک می‌کند تا فتوایی جامع و منطبق بر فطرت صحیح و عقل سلیم، صادر نموده و با دانستن مقاصد احکام، گرفتار احتیاط‌های بی‌جا نشود. زیرا کثرت احکام احتیاطی در فتاوی فقها، به جهت غفلت از مصالح و ملاکات احکام و اهداف و مقاصد شریعت است.<sup>۱</sup>

در نتیجه احتیاط‌های ناروا، و برخلاف اصل صریح سهله و سمحه، مکلف در حجم بسیار زیادی از فروع فقهی، محکوم به احتیاط و انتخاب سخت‌ترین راه می‌شود؛ و این خود زمینه‌ساز عسر و حرج و گریز مکلفان از شریعت و در بسیاری از موارد باعث ایجاد وسواس خواهد شد. در اصل احتیاط تصریح شده است که عمل به احتیاط و اجرای آن در صورتی پسندیده است که باعث اختلال نظام، فروپاشی زندگی، عسر و حرج، سختی و به تنگنا افتادن و یا ابتلا به وسواس نباشد.

برقراری نظم و انضباط در زندگی فردی و اجتماعی، یکی از مقاصد عالی شریعت است. احکام الهی طوری تعبیه و طراحی شده است که هیچ‌گونه تزاخم و ناسازگاری با دنیای مردم و پیشرفت و توسعه زندگی نداشته باشد. در نهان و نهاد احکام الهی برپایی زندگی با سلامت و سعادت نهفته است و هرچه باعث نابسامانی، عقب‌ماندگی و فروپاشی زندگی باشد ممنوع شناخته شده است. از این رو احتیاط‌ورزی که در ذات خود دارای ارزش است اگر باعث هرج و مرج زندگی، عقب‌ماندگی بازار و صنعت و علم و دانش و فروپاشی زندگی باشد با اهداف شریعت در تناقض و ناپسند شمرده می‌شود.

در بحث‌های فقهی سنتی توجه به مقاصد اندک بوده است، اما در بحث‌های فقهی نوین که در ایران و بعضی از کشورهای اسلامی اتفاق افتاده، چنین نیست. به نظر برخی از علما سبب قصور فقه شیعی، به تفکر و اندیشه‌های شیعیان برنمی‌گردد، بلکه اسبابی تاریخی دارد که عمده آن دور بودن از قدرت سیاسی و اجتماع است. و همین امر سبب نگرش‌های فردی در فقه و بروز احتیاط‌های بسیار شده است (حسینی، ۱۴۱۷، ص ۲۵).

۱. رک: میرزای قمی، ابوالقاسم، قوانین الاصول، ج ۱، ص ۴۴۶ و موسوی خمینی، سید مصطفی، تحریرات فی الاصول، ج ۳، ص ۶۸۸.



باتوجه به تشکیل حکومت اسلامی در ایران، علم مقاصد شریعت در فقه امامیه نیازمند ورود فقها و اندیشمندان و تبیین چارچوبها و تشریح زوایای آن است.

در سایه توجه حاکم اسلامی به مقاصد و تفسیر نصوص مبین حکم در سایه مقاصد، برداشت وی از ادله، اتقان بیشتری می‌یابد. در سایه این توجه، گاه به‌دلیلی که در ظاهر محدود است توسعه می‌بخشد، چنان‌که گاهی از عموم یا اطلاق دلیلی که در نگاه اول عام یا مطلق است جلوگیری می‌کند.

با شناخت مقاصد شریعت و توجه حاکم اسلامی به آن در حکومت، فهم وی از نصوص شریعت متفاوت خواهد بود، اگرچه مقاصد را در استنباط به‌کار نگرفته و فقط بدان توجه داشته باشد. شناخت مقاصد الشریعه، افق ذهن حاکم را وسعت می‌بخشد.

استناد به مقاصد شریعت، خود ارزش‌دهی به منطق عقل و خارج شدن از تک گزاره‌های نقل به‌گونه ظاهر بینانه می‌باشد، به‌علاوه شارع، دارای مقاصد گوناگونی است، این مقاصد قابل دست‌یابی از طریق شرع و عقل می‌باشد و شناخت این مقاصد این توانایی را به حاکم اسلامی می‌دهد که از دیدی جزئی نسبت به احکام بیرون آمده و دیدی جامع‌نگر پیدا کند، در نتیجه فتوای او کارآمدتر، ضابطه‌مندتر و اجرایی‌تر خواهد بود.

## فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، قم: آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
- آل بحر العلوم، محمد بن محمدتقی، بلغة الفقیه، تهران: مکتبه الصادق، ۱۴۰۳ق.
- آمدی، سیف‌الدین، الاحکام فی اصول الاحکام، تعلیق عبدالرزاق عقیفی، بیروت: المکتبه الاسلامی، ۱۴۰۲ق.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تهران: مؤسسه جماعه الاسلامی للمدرسین، ۱۴۰۴ق.
- احسائی، ابن ابی‌جمهور محمدبن علی، عوالی اللغالی، قم: سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
- الامام علی بن موسی الرضاع (منسوب به ایشان)، فقه الرضا، مشهد: آل‌البیت، ۱۴۰۶ق.
- انصاری، مرتضی، المکاسب، قم: کنگره شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق.

- جعفریپیشه، مصطفی، **حق تمرد و وجوب حفظ نظام از منظر اهل بیت و اهل سنت**، فصلنامه طلوع نور، سال ۹، ش ۳۳، ۱۳۸۹.
- حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم: آل البیت، ۱۴۰۹ق.
- حسنی، اسماعیل، **نظریة المقاصد عند الامام محمد الطاهر العاشور**، دمشق: المعهد العامی للفکر الاسلامی، ۱۴۲۶ق.
- حسینی، محمد، **الاجتهاد و الحیاة حوار علی الورق**، مع: محمد مهدی شمس الدین، محمد حسین فضل الله، وهبه الزحیلی، قم: الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۷ق.
- حکیم، محمدتقی بن محمد سعید، **منهاج الصالحین**، تعلیق محمدباقر صدر، بیروت: دارالصفوه، ۱۴۱۵ق.
- خادمی، نورالدین، **علم المقاصد الشرعیة**، ریاض: العیبکان، ۱۴۳۲ق.
- خمینی، سید مصطفی، **تحریرات فی الاصول**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۴۱۸ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، **التنقیح فی شرح عروة الوثقی**، قم: دارالهادی، ۱۴۱۸ق.
- \_\_\_\_\_، **مصباح الفقاهه**، قم: نشر وجدانی، ۱۳۷۱.
- \_\_\_\_\_، **موسوعة الامام الخویی**، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخویی، ۱۴۱۸ق.
- روحانی، محمد صادق، **فقه الصادق(ع)**، قم: مدرسه الامام صادق(ع)، ۱۴۲۱ق.
- سعادت مصطفوی، سید حسین، «جایگاه عدالت در استنباط احکام معاملات»، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، دوره ۹، شماره ۲۷، ۱۳۸۷.
- سید مرتضی، **الناصریات**، قم: رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه، ۱۹۹۷م.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی، **المواقفات فی اصول الاحکام**، بیروت: دارالفکر، ۱۳۴۱ق.
- شبر، سید عبدالله، **تفسیر شبر**، راجعة الدكتور حامد حفنی داود، قاهره: السید مرتضی الرضوی، ۱۳۸۵ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، **القواعد والفوائد**، قم: کتابفروشی مفید، بی تا.
- صدر، محمد باقر، **اقتصادنا**، تهران: دارالتعارف المطبوعات، ۱۳۹۹ق.

- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- طوسی، محمدبن حسن، **التبیین**، تحقیق و تصحیح: أحمد حبیب قصیر العاملی، تهران: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
- \_\_\_\_\_، **تهذیب الاحکام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- \_\_\_\_\_، **النهایه**، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، **تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه**، قم: آل البيت، ۱۴۱۵ق.
- علیشاهی، ابوالفضل، **مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرایند استنباط احکام فقهی**، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
- فاسی، علال، **مقاصد الشریعة الاسلامیه و مکارمها**، بیروت: دارالغرب اسلامی، ۱۹۹۳م.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، قم: انتشارات کتابخانه آیت - الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- فیرحی، داوود، «شیعه و مسئله مشروعیت، بین نظریه و نص»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، ش ۵۷، ۱۳۸۱.
- کاشف الغطاء، جعفر، **کشف الغطاء**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الاصول من الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ق.
- \_\_\_\_\_، **الکافی**، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- گلپایگانی، محمدرضا، **کتاب القضاء**، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، تهران: استقلال، ۱۴۰۹ق.
- \_\_\_\_\_، **معارج الأصول**، تحقیق محمدحسین رضوی، قم: آل البيت، ۱۴۰۳ق.
- مطهری، مرتضی، **یادداشت‌های استاد مطهری**، ج ۲، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
- مغنیه، محمدجواد، **فقه الامام جعفر الصادق (ع)**، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، **القواعد الفقهیه**، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۱۱ق.

- موسوی خمینی، سید روح الله، **المکاسب المحرمه**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ق.
- \_\_\_\_\_، **صحیفه نور**، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- \_\_\_\_\_، **کتاب البیع**، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۱ق.
- \_\_\_\_\_، **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، **قوانین الاصول**، تهران: المكتبة العلمية الاسلامية، ۱۳۷۸ق.
- مهوری، محمدحسین، «حفظ نظام»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، ش ۲۰، ۱۳۸۰.
- نائینی، محمدحسن، **منية الطالب**، تقریر خوانساری، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- \_\_\_\_\_، **المکاسب و البیع**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، **تنبيه الامه و تنزيه المله**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۴ق.
- نجار، عبد المجید، **مقاصد الشريعة بابعاد جدیده**، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۲۰۰۸م.
- نجفی، محمدحسن، **جواهر الكلام فی شرح شرايع الاسلام**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.